



# ۱۶۰ کشته در حملات تروریستی داعش در پاریس غرب سرانجام دستپخت خود در سوریه را چشید

# بفرمایید شام!



**گروه بین‌الملل:** با گذشت یک روز از «جمعه سیاه پاریس»، عروس سابق اروپا حالا تبدیل به بزرگ‌ترین پادگان قاره شده است. دیروز به دستور پلیس هیچ پارسی‌ای اجازه نداشت از خانه بیرون بیاید و بر شهر مرد پاشیده بودند، در حالی که با وجود گذشت ۵ سال از جنگ وحشیانه مزدوران غرب در عراق و شام، زندگی هنوز در رگ‌های بغداد و دمشق جاری است. کمی پیش از نیمه‌شب جمعه ۲۲ آبان (به وقت تهران) بود که سلسله حملات بی‌سابقه تروریستی در محدوده‌های وسیع از پایتخت از مرکز تا شمال و شرق پاریس، یکی پس از دیگری به مثابه سیلی‌هایی غافلگیرکننده بر صورت به اصطلاح حامیان برج عاج‌نشین براندازی بشار اسد به واسطه همان تروریست‌های مورد حمایت غرب در شام نواخته شد. طی یک کابوس حقیقی ۴۰ دقیقه‌ای و طی ۷ حمله تروریستی، حدود ۱۶۰ پارسی کشته و حدود ۲۰۰ تن دیگر زخمی شدند که حال ۵۰ تن آنها وخیم گزارش شده است. این خونین‌ترین حادثه تروریستی اروپا پس از قتل بیش از ۱۹۱ نفر در بمب‌گذاری

مترویی مادرید در سال ۲۰۰۴ بود و در عین حال دومین حمله مرگبار به پایتخت فرانسه ظرف سسال ۲۰۱۵ که بلاز هم توسط داعش صورت گرفت. بار اول در جریان حمله به دفتر هفته‌نامه فکاهی «شارلی ابدو» و ۲ حمله فردی و گروه‌گانی دیگر در حوالی پاریس در ۱۵ ژانویه سال میلادی جاری که مجموعاً ۱۸ کشته داشت و شاخه یمن داعش مسؤولیت آن را بر عهده گرفت. این بار اما این تروریست‌های دست‌برورده غرب موسوم به داعش اگرچه بلافاصله در شبکه توئیتر خود حملات را با تیتیر «پاریس در آتش» جشن گرفتند اما تا بعدازظهر شنبه طول کشید تا موضعی رسمی اتخاذ کنند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، داعش روز شنبه بیانیه‌ای در توئیتر به ۲ زبان عربی و فرانسوی منتشر کرد: «۸ برادر که حامل کمربندهای انفجاری بودند مراکز را در قلب پاریس که با موشکافی انتخاب شده بود هدف قرار دادند. این حملات با این هدف صورت گرفت که فرانسوی‌ها و کسانی که در راه آنها گام برمی‌دارند متوجه باشند هدف اصلی حملات دولت اسلامی خواهند بود».

براساس این بیانیه، حملات پاریس پاسخی بود به «هدف قرار دادن مسلمانان در سرزمین‌های خلافت (اسلامی)»، عبارتی که به صورت کلی برای مناطق تحت کنترل داعش در عراق و سوریه به کار می‌رود. این به معنای انتقام از فرانسه‌ای بود که در ائتلاف تحت هدایت آمریکا برای جنگ زرگری با تروریست‌های عراق و سوریه عضویت دارد. **۷ حمله مرگبار** در حالی که جمعه شب به غیر از ۶۰ هزار فرانسوی حاضر در استاد دو فرانس برای تماشای دیدار فرانسه-آلمان، عمده جمعیت پایتخت هم در خانه یا کافه و رستوران‌ها پای تماشای تلویزیونی مسابقه بودند، محله سن‌دنی پاریس، محل ورزشگاه ملی فرانسوی‌ها و پر تراکم‌ترین منطقه عرب و آفریقایی‌نشین کل کشور در شمال شرق پاریس، جلوی چشم همه لرزید. به گفته پلیس انفجارهای انفجاری به صورت سلسله‌وار توسط ۲ تروریست زن با جلیقه انفجاری در نزدیک ورودی ورزشگاه-ورودی ( - صورت گرفت. صدای این انفجار در دقیق ۱۶ و ۱۹ مسابقه به وضوح در داخل ورزشگاه شنیده شد و اگرچه تا ۱۵ ساعت

بعد و پایان بازی، چیزی درباره حملات به بازیکنان تیم گفته نشد اما از تصاویر موجود کاملاً پیداست که تماشاگران از طریق گوشی‌های همراهشان در جریان آتش‌بازی‌های بیرون بوده‌اند. با این حال تا ساعتی پس از بازی همه حاضران به دلیل مسائل امنیتی در استاد دو فرانس حبس شدند. تنها رئیس‌جمهور فرانسوا اولاند و همراهانش اجازه خروج یافتند. به گفته خبرنگار ورزشی صدای فرانسه، پس از شنیده شدن انفجار دوم بود که اولاند در جایگاه ویژه گوشی به دست دیده شد و بلافاصله از معرکه گریخت. اولاند از بیرون دروازه ورزشگاه با یک بالگرد به وزارت کشور انتقال یافت تا یک شورای بحران تشکیل دهد. همچنین اشتابن‌مایر، وزیر خارجه آلمان که در پاریس حضور داشت پس از این حادثه پاریس را به مقصد وین ترک کرد. حمله سوم همزمان در رستوران مک دونالد در همان نزدیکی ورزشگاه صورت گرفت. یک مرد مسلح به کلاشینکف، چندین نفر را در این رستوران پرازدحام به گلوله بست و به قتل رساند و ۷ نفر را هم زخمی کرد. مساله این بود که پلیس فرانسه باید از قبل

برای چنین حملاتی در حاشیه مسابقه آن شب آماده می‌بود، چون یک روز جلوتر کاروان تیم ملی آلمان در محل اقامتش، هتل مولیتور تهدید شده بود. به گزارش روزنامه لوپاریزین، روز پنجشنبه هتل محل اقامت تیم ملی آلمان به خاطر دریافت یک تماس تلفنی تهدیدآمیز از سوی یک فرد ناشناس، به طور کامل تخلیه شد و این هتل مجلل در اختیار مأموران ویژه پلیس به همراه سگ‌های تربیت شده‌شان قرار گرفت. در آن وانفسا «لیور بیهوف»، مدیر تیم ملی آلمان در میانه یک مصاحبه با یک روزنامه‌نگار آلمانی گفته بود: «هشدار دادند باید سریعاً هتل را ترک کنیم!» اما همزمان با انفجارها و حملات محله سن‌دنی، ۴ تروریست به تالار نمایش معروف باتاکلان در خیابان ولتر حمله کردند. آنها پس از آتش‌گشودن به روی پلیس‌های اطراف این تالار، اقدام به گروه‌گانی حاضران در یک کنسرت راک کردند. آنها به شکل متوالی به تماشاگران شلیک کردند با این وجود گفته می‌شود عمده تلفات مردمی زمانی بود که نیروهای ویژه سعی در ورود به داخل تالار نمایش کردند که

۲ تن از مهاجمان خود را متفجر کردند. در جریان این حمله حدود ۱۰۰ تن از تماشاگران به همراه ۲ مهاجم کشته شدند. جالب اینجاست که دختری به نام نینا پس از حادثه گفته بود فکر می‌کرده شلیک‌ها بخشی از نمایش هستند. همچنین آنهایی که توانسته بودند از سالن بگریزند می‌گفتند تروریست‌ها اسلحه‌هایشان را پسر می‌کنند تا باز هم به مردم شلیک کنند. برای دستگیری گروه‌گانی دور تا دور سالن باتاکلان را مین‌گذاری کرده و از تله‌های شنیده بسته استفاده کردند اما پلیس بلافاصله اعلام کرد ۲ تن از مهاجمان متواری شده‌اند. در همین زمان بود که شهرداری پاریس از مردم خواست از خانه‌های خود خارج نشوند و وضعیت فوق‌العاده در شهر اعلام شد که تا ساعاتی بعد به کل کشور تسری یافت و تمام مرزهای پاریس تا بامداد شنبه بسته شده بود. حمله‌های پنجم، ششم و هفتم نیز در مراکز تجاری مرکز و جنوب پاریس رخ داد. بدین ترتیب در مجموع طی ۶ حمله خارج از سالن باتاکلان ۶۰ تن دیگر کشته شدند. **ادامه در صفحه ۱۵**

**نگاه** **دکتر جواد حق‌گو:** از زمانی که بشر چشم به جهان می‌گشاید، تهدید همزاد او است. واحدهای ملی و دولت‌ها نیز از این منظر با انسان مشابه دارند. تهدیدهای پیش روی انسان و دولت‌ها گاه منافع و گاه حیات انسان را هدف قرار می‌دهد و آنچه در برابر این تهدیدها صف می‌بندد، مفهوم «امنیت» است؛ مفهومی چندلایه و چندبعدی که از موجودات ابتدایی گرفته تا دولت‌ها هر یک بنا بر ادراک خود به دنبال تامین آن هستند. از بعد نظری، امنیت از بحث برانگیزترین مفاهیم به شمار می‌رود و هر یک از اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، سیاسی و روابط بین‌الملل با دیدگاه‌ها و نقطه‌نظراتی متفاوت و متعدد به آن نگریسته‌اند. در میان اندیشه‌ها و مکاتب نظری مطالعات روابط بین‌الملل، رئالیست‌ها بخش مهمی از تحلیل‌های خود را بر پایه مفهوم امنیت بنا نهاده‌اند. در مسیر تطور اندیشه‌های رئالیستی اولیه اندیشمندانی چون «توسیدید» مورخ یونانی، «نیکولو ماکیاویلی» فیلسوف سیاسی ایتالیایی و... تا دوره رئالیسم کلاسیک «هانس

مورگنتا» پدر مکتب واقع‌گرایی معاصر و پس از آن نواواقع‌گرایی که در آثار «کنت والتز» نمایان است، امنیت از بنیادی‌ترین مفاهیم و تامین آن اصلی‌ترین اهداف و اولویت‌ها بوده است. البته این دیدگاه به شکلی مزم از سوسی لیبرال‌ها یا همان آرمان‌گرایان به چالش کشیده شده است؛ گروهی که با بدیل‌هایی چون توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجارت بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و... به دنبال پایین کشیدن مفهوم امنیت از جایگاه محوری آن در مکتب واقع‌گرایی بوده‌اند. در این میان، اندیشمندانی نیز مانند «باری بوزان» با ترسیم چهره‌هایی تازه از مفهوم امنیت، به دنبال پر کردن شکاف‌های معنایی در زمینه مفهوم، کارکرد و جایگاه امنیت در فرایندهای نظری و عملی سیاست و روابط بین‌الملل بوده‌اند. از منظر این نظریه‌پرداز انگلیسی «نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، امنیت صرفاً محدود به جنبه نظامی آن نیست و به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز تسری می‌یابد. با توجه به تازه‌ترین فرایندهای جهان کنونی

**آنجا که امنیت نیست...** آنچه مشخص است اینکه ایران در آشوب‌ناک‌ترین منطقه جهان از نظر امنیتی قرار دارد و گرداگرد کشور را کانون‌هایی فراگرفته که هر کدام برای روبروایی یک واحد ملی کفایت می‌کنند. در سطح جهانی ایران همواره قدرت‌هایی است که آشکارا از سقوط و تجزیه ایران سخن می‌گویند. در سطح منطقه‌ای مقام‌های کشورهای چون عربستان سعودی صراحتاً اعلام می‌کنند از هر ابزاری برای مقابله با تهران بهره خواهند جست و در کنار حکومت جنت‌پیشه و تاندندان مسلحی چون رژیم صهیونیستی یا جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و... قرار خواهند گرفت. در این وضعیت، از «جندالشیطان» در شرق گرفته تا «داعش» پشت مرزهای غربی و تقاله‌های تروریستی چون سازمان مجاهدین خلق [منافقین] در کشورهای اروپایی و آمریکایی و... بازیگرانی متعدد هستند که هدف بنیادین خود را ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. در این شرایط جای پرسش است که چه

کشوری در سطح منطقه و حتی در عرصه جهانی بیش از ایران با تهدیدهای امنیتی روبرو است و دست و پنجه نرم می‌کند؟ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته در مقایسه با بسیاری از دولت‌های لیبرال‌ماب غربی و حکومت‌های مستبد و ناامن‌ساز منطقه هزینه‌های کمتری برای خریدهای تسلیحاتی و بودجه نظامی داشته و به شکلی آشکار تقویت درون‌زای توان دفاعی را در دستور کار قرار داده است. در اینجا بد نیست به گزارش‌هایی نظیر گزارش «موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم» (SIPRI) و آمار آن در سال ۲۰۱۴ میلادی اشاره کنیم؛ براساس این گزارش‌ها، سال گذشته میلادی بیش از ۸۰ میلیارد دلار سلاح خریداری کرده‌اند و پس از عربستان، امارات عربی متحده با ۲۳ میلیارد دلار دومین خریدار تجهیزات نظامی خاورمیانه بوده است. قابل تأمل اینکه از ۱۷۳ میلیارد دلار هزینه نظامی صورت گرفته در خاورمیانه بیش از یکصد میلیارد آن مربوط به ۲ کشوری است که بیشترین اصطکاک امنیتی را با ایران دارند. براساس گزارش‌های «موسسه بین‌المللی

مطالعات استراتژیک» در لندن که در کتابی تحت عنوان «موازنه نظامی ۲۰۱۵» گرد آمده است، آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین دشمن جهانی ایران در سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۴۰ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص داده و دشمن قسم‌خورده‌ای چون رژیم صهیونیستی نیز ۲۳/۳ میلیارد دلار بودجه نظامی داشته است. اگر چه اینها به معنای ضعف ایران در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیست اما آمارهای یادشده نشان از اهمیت و هزینه‌های هنگفت اقتصادی دارد که به پای تقویت نظامی‌گری در جهت افزایش ضریب امنیتی ریخته می‌شود. در چنین فضایی کوچک‌ترین خوش‌خیالی و چشم‌پوشی از ضرورت‌های امنیتی به معنای امضای سند قرار گرفتن کشور در کانون بالفعل شدن تهدیدات بالقوه امنیتی خواهد بود. از این رو است که رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیر خود با جوانان نخبه کشور نسبت به بی‌تفاوتی در برابر تهدیدات گسترده پیش روی کشور هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «آنجا که امنیت نیست، هیچ چیز نیست».